

اخبار برگزیده

محمد هاشم سبویکی درگذشت

محمدهاشم سبویکی، تهیه‌کننده پیشکسوت سینما، پس از یک دوره بیماری ناشی از سکته مغزی درگذشت.

این هنرمند فقید سینما تهیه‌کنندگی آثاری همچون «مارال»، «سرب»، «آوار» و… را بر عهده داشته است.

خانه سینما درگذشت این هنرمند را به جامعه هنری تسلیت گفته و برای خانواده و بازماندگان آن مرحوم از خداوند آرزوی صبر و آرامش دارد.

«برای وطن» فیلم بسازید

دبیرخانه پانزدهمین دوره از جشنواره فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای فراخوان ویژه‌ای را با عنوان «برای وطن» منتشر کرده است.

براساس فراخوان تازه‌ای که دبیرخانه جشنواره فیلم ۱۰۰ پس از آغاز حملات آمریکایی- صهیونی در جنگ رمضان منتشر کرده، آثار ارسالی در این بخش از جشنواره باید در یکی از قالب‌های داستانی، پویانمایی، هوش مصنوعی و مستند تولید شود. همچنین حداکثر زمان آثار تولیدی با در نظر گرفتن تیتراژ ۱۰۰ ثانیه است.

موضوع آثار ارسالی در این فراخوان ویژه، دل‌بستگی به وطن، استقلال و مقابله با دشمن، غیرت ملی، وحدت ملی، شهیدان راه وطن، مدافعان وطن، مدرسه میناب، رهبر شهید، مقابله با استعمار، فردای ایران و سرود ملی جمهوری اسلامی ایران است.

بخش ویژه این فراخوان به تولید آثاری با موضوع‌های یادشده اختصاص دارد که با رویکرد مخاطب «کودک» تولید شده باشد.

طبق اعلام دبیر‌خانه شرایط ارسال آثار به‌صورت عمودی بلامانع بوده و همچنین تکمیل فرم تقاضای شرکت در جشنواره به معنای پذیرش تمامی مقررات جشنواره است.

ارسال آثار تولیدشده و ثبت‌نام فقط از پایگاه رسمی جشنواره به آدرس **www.100fest.com** امکان پذیر است.

صدای خاموش کودکان میناب در تئاتر شهر طنین‌انداز می‌شود

ویژه‌برنامه «سوگ‌نامه میناب؛ شکوفه‌های شکسته» با محوریت گرامیداشت کودکان شهید مدرسه میناب، دوشنبه ۱۷ فروردین در مجموعه تئاتر شهر تهران برگزار می‌شود.

این برنامه با عنوان «سین هشتم، سوگ میناب» در آستانه چهلمین روز آسمانی‌شدن کودکان بی‌گناه میناب و در محکومیت جایت تاریخی استکبار جهانی و رژیم صهیونیستی، به همت مرکز امور بین‌الملل و دیپلماسی وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و با همکاری معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با این باور که هنر، رساترین زبان برای انعکاس مظلومیت کودکان شهید در برابر جهانیان است، برگزار خواهد شد.

این مراسم ساعت ۱۷ روز دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵ در تئاتر شهر، واقع در خیابان ولیعصر تهران برگزار می‌شود و حضور برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.

اجرای طرحی در راستای هم‌افزایی میان سینما و اجتماعات مردمی

طرح «سینما ساعت شش» با هدف هم‌افزایی سینما با رویدادهای مردمی و نمایش فیلم‌های مرتبط با وقایع اخیر راه‌اندازی شد.

طرح «سینما ساعت شش» ذیل پویش «سینما پای کار ایران» تعریف شده و شامل نمایش ویژه فیلم‌های مرتبط با جنگ ۱۲ روزه و همراهی تماشاگران تا محل اجتماعات مردمی است.

در راستای حمایت از برنامه‌های مردمی و افزایش همبستگی اجتماعی، سینماهای بهممن سبز سانس ویژه‌ای را به نمایش فیلم‌هایی با مضامین انقلابی و ملی اختصاص داده‌اند. این اقدام با هدف تشویق مشارکت اجتماعی و تقویت پیوند میان هنر هفتم و رویدادهای جاری کشور صورت گرفته است.

براساس این طرح، تماشاگران پس از تماشای فیلم‌های منتخب در سانس ساعت شش عصر به محل اجتماعات مردمی هدایت خواهند شد. این برنامه در سینماهایی که در نزدیکی محل برگزاری جمععات قرار دارند، اجرا می‌شود و هماهنگی‌های لازم با مسئولان برنامه‌های مردمی به عمل آمده است.

برای ترغیب هرچه بیشتر مخاطبان به حضور در این رویداد فرهنگی-اجتماعی، امکان تماشای نیم‌بهای برخی آثار پرفروش از جمله «نیم‌شب»، «فماریاز» و «افسانه سپهر» در این سانس ویژه فراهم شده است. این طرح با همکاری مدیران سینمایی و متولیان برنامه‌های مردمی در جهت اطلاع‌رسانی و اجرای دقیق برنامه‌ها، کام برمی‌دارد.

گفتنی است هدف اصلی از اجرای این طرح، ایجاد هم‌افزایی میان سینما و اجتماعات مردمی و همچنین تقویت روحیه مشارکت اجتماعی در میان شهروندان است.

افتتاح فیلم کن ۲۰۲۶ با «نونوس الکتریکی»

مهروز «نونوس الکتریکی» ساخته پیر سالوادوری، جشنواره فیلم کن ۲۰۲۶ را افتتاح خواهد کرد.

این فیلم که با بازی پیو مارماي، آنانیس دموستیر و ژیل لولوش ساخته شده پس از آن از ۱۳ می ۲۰۲۶ در سینماهای فرانسه اکران می‌شود.

با اعلام این خبر این فیلم بلافاصله در کانون توجه سینمایی معاصر فرانسه قرار گرفت. داستان این فیلم در پاریس اواخر دهه ۱۹۲۰ اتفاق می‌افتد و حول یک نقاش متأثر از غم، یک فریبکاری معنوی و یک داستان عاشقانه متمرکز است و فیلم درباره آنتوان بالسترو، نقاش جوانی است که پس از مرگ همسرش قادر به ادامه کارش نیست. او در تلاش برای ارتباط با سوزان از طریق یک غیبگو است اما در نهایت به تدریج الهام خود را دوباره کشف می‌کند.

این فیلم که بر بنیای فیلم‌نامه بنوا گرافین در همراهی با پیر سالوادوری شکل گرفته با عنصر روح‌گرایی گره خورده است.

بازیگران این فیلم چهره‌های شناخته‌شده سینمای معاصر فرانسه هستند و پیو مارماي نقش سوسوگوار، آنانیس دموستیر نقش سوزان و ژیل لولوش نقش آرماند، دلال هنری را بازی می‌کنند.

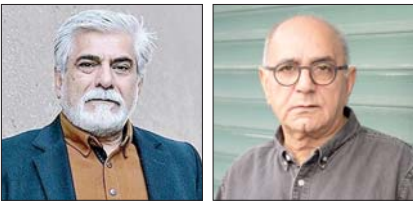
اولین تصاویر از فیلم به عنوان بخشی از اعلامیه کن منتشر شد. این تصاویر عمدتاً فضای دوره زمانی، خط سیر احساسی فیلم و نقش محوری فریب در قلب داستان را تأیید می‌کنند.

پیش از این اعلام شد که نخل طلای یک عمر دستاورد هنری امسال به باربارا استرایسند و نخل طلای افتخاری به پیتز جکسون کارگردان فیلم «ارباب حلقه‌ها» اهدا می‌شود.

درحالی‌که ژولیت بینوش رئیس هیئت داوران جشنواره فیلم کن سال پیش بود، پارک جان ووک به عنوان رئیس هیئت داوران برای هفتادونهمین دوره انتخاب شده است.

نگاهی به واکنش سینماگران در روزهای پرتلهاب جنگ

هنرمندانی که از وطن گفتند



برای اینها همان انفجار یک تصویر است. یک هیجان است، یک صحنه است برای تکان‌دادن پرچم و کوبیدن پا به زمین.

آنچه اینجا فاجعه است، آنچه نمایش است. آنچه اینجا مرگ است، آنچه شور است.

و همین است کنیف‌ترین بخش ماجرا، نه اینکه در دراز نمی‌فهمند، بلکه از نفهمیدن آن نان می‌خورند.

این فقط یک تناقض نیست. این فقط بی‌حسی هم نیست. این منطق خود کارشان است.

وقتی انسان حذف شد، کنار او راه می‌شود رقصید. وقتی رنج مردم فقط خرج پروژه سیاسی شد، دیگر شادی کنار ویرانی رسوایی نیست؛ قاعده است.

یک طرف مردم از میان خاکستر رد می‌شوند، طرف دیگر عده‌ای از دور روی همان خاکستر پایکوبی می‌کنند. این دو تصویر بی‌ریط نیستند. دوروی یک سیاهی مطلق‌اند.

حامد بهداد در فضای مجازی واکنشی جدید به جنگ آمریکا و اسرائیل علیه ایران داشت.

حامد بهداد نیز در صفحه شخصی‌اش نوشت: «به مهدی جوادی (تهیه‌کننده) پرسیدی کدام مردم؟ می‌گویم همه مردم. از دیدن رنج هم‌وطنانم می‌رنجم. هرکس که باشد. از گریه مادری که جانش به‌تازگی کشته شده گریه‌ام می‌گیرد. از مسخره‌کردن رزمنده‌ای که دست و پایش را پای لانچر از دست داده، قلمب مجال‌ه

می‌شود. از بمب‌خوردن بیمارستان‌های شهرم و جابه‌جاکردن نوزادهای سرزمین آتش می‌گیرم. من از این جنگ که به میهنم وارد شده بیزارم. مهدی جان نوشته‌هایم را تضعیف هیچ‌کس برداشت نکن. ایران خط قرمز من و از همه چیز مهم‌تر است.»

جواد عزتی نیز در صفحه مجازی خود بخشی از فیلم باشو غریبه کوچک بهرام بیضایی را منتشر کرد و نوشت:

«ایران سرزمین ماست، ما از یک آب و خاک هستیم، ما فرزندان ایران هستیم.»

هادی حجازی‌فر، بازیگر و کارگردان برای این‌ روزهای ایران نوشت: «من در وحشت چشم‌های معصوم کودکان میناب قفل شده‌ام؛ در نجات و بازماندگی حملای کوچک تبریز و صداالله تنهایی ابدی و آوار-آلودش؛ با آن کودک هفت‌ساله کرجی

نجات‌یافته از انفجار که بی‌تاب و ترسیده است و سراغ مادرش را می‌گیرد و امدادگر چاره‌ای جز دروغ‌گفتن به او ندارد. من در ترس‌های ابدی کودکان ایران از این‌همه انفجار و بمب قفل شده‌ام. من در اندوه خیس و انتظار دریایی پدرها، مادرها، همسران و فرزندان دانشسین‌های غریب و سفیدپوش قفل شده‌ام… من به اندازه هزار سال در این چند روز اندوه تلنبار کرده‌ام… مگر این همه بی‌رحمی و جنایت از این پلیدترین و فاسدترین آدم‌های جزیره‌نشین! چیز عجیبی است؟ من پر از مرثیه‌ام برای تمام آن جان‌های پاک و شجاعی که برای دفاع از ذره ذره ایرانم تکه‌تکه شده‌اند… این روزها به چشم می‌بینم باکری‌های پیر و جوان را که در هیاهوی آتش و خون، مردانه، مومن و سلحشورانه ایستاده‌اند و برای اقامه یک نماز پیروزی دیگر در «خرمشهرها» بی‌تابند.»

رامبد جوان نیز درباره روزهایی که تجربه می‌کنیم نوشت: «سلام به سلام به ایران سلام به جان‌های نازنین این سرزمین سلام به کودکان زیبای میناب و مادران و پدران مهربان و صبورشان سلام به فرزندان دی‌ماه ایران سلام به همه دل‌هایی که در این روزها سنگین‌اند و همچنان ایستاده‌اند سلام به آتهایی که دیگر میان ما نیستند اما حضورشان در این خاک جاری است سلام به بهار پر از زندگی سلام به مردمی لبریز از قدرت و تاب و مهربانی و غیرت سلام به مردان و زنان و هر ایرانی‌ای که کوچک‌ترین قدمی برای این سرزمین بزرگ برداشته است، سرزمینی که هیچ‌گاه ذره‌ای از خاکش را به پلیدی تسلیم نکرده است و خوب می‌داند که نام‌ها و قدرت‌ها می‌آیند و می‌روند و این خاک، همچنان استوار، می‌ماند و یادمان باشد که زور زندگی و نفس‌کشیدن همیشه بیشتر است و لعنت به جنگ و جنگ‌طلبان و لعنت به ظلم و ظالمان سلام به ایران سلام به زندگی سلام به بهار توروژ پیروز!»

علیرضا داودنژاد، کارگردان سینما نیز نوشت: «حقیقت جاری در تحولات جهان، بیامی روشن برای بشریت دارد؛ پیروزی از آن کسی نخواهد بود که انبار بزرگ‌تری از غول‌های آه‌نین دارد. در واقع امروز برای ابناي بشر آشکار می‌شود که «هویت» نه مشکل که راه‌حل است. چیزی برای پندار سالیان دراز که هویت ملت‌ها را سدی در برابر جهانی‌سازی با عاملی برای تنش معرفی می‌کردند. اکنون ثابت شده است که هویت، تنها پناهگاه استراتژیکی است که مانع از فروپاشیِ یک ملت در زیر حجم سنگین آتش و فشار می‌شود.

نهایتاً برقر برکشته است؛ امروز دوران قدرت‌طلبی با تجهیزات عظیم‌الجثه به پایان رسیده و موفقیت از آن جانیی است که بتواند «اراده ملی» را به «دقت تکنولوژیک» گره بزند. این همان فرمول فاجحی است که در آن، تکنولوژی- چه در قالب یک دوربین کوچک فیلم‌سازی و چه در قالب یک پهپاد نقطه‌زن- دیگر نه ابزار برای ویرانی، بلکه کنهپایی برای صیانت از اصالت، خانه و هویت یک ملت است. ایران با تکیه بر همین پیوند، افق‌های جدیدی را در راهبردهای نظامی و انسانی جهان گشوده است.»



شد و توانست ۹ نامزدی اسکار از جمله بهترین فیلم بین‌المللی را کسب کند و در نهایت چهار جایزه اسکار (بهترین فیلم بین‌المللی، بهترین فیلم‌برداری، بهترین موسیقی متن و بهترین طراحی صحنه) نهمه دوم دهه ۲۰، فیلم‌های جنگی پشت سر هم ساخته می‌شد. «سپر جرمی» و «دختری که به جنگ می‌رود» از مهم‌ترین فیلم‌های این دوره محسوب می‌شوند. اما فیلم «فرشتگان دوزخ» با قابلیت صوتی جدید و با هزینه‌ای سرسام‌آور ساخته شد که از تصاویر مبارزه در ناوگان هوایی استفاده کرده بود. فیلم جنگی بعدی که سروصدا کرد، «هیوز» نام داشت که داستان دو برادر انگلیسی را تعریف می‌کرد که در جنگ جهانی اول خلبان بودند و مضمونی عاشقانه در کنار آن گنجانده شده بود.

در جبهه غرب خبری نیست: شاهکار ضد جنگ سینما

یکی از بهترین و مهم‌ترین آثار جنگی، فیلم ماندگار «در جبهه غرب خبری نیست» است که در سه نسخه صامت (۱۹۳۰)، تلویزیونی (۱۹۷۹) و ناطق (۲۰۲۲) ساخته شد. این اثر با اقتباس از رمانی به همین نام نوشتهٔ اریش ماریا رماکر، نگه‌آلمانی به مسائل مربوط به جنگ جهانی اول داشت. نسخه اصلی سال ۱۹۳۰ به کارگردانی لونیس مایلستون، نخستین فیلم ضد جنگ عصر صدا بود که توانست دو جایزه اسکار بهترین فیلم و بهترین کارگردانی را از آن خود کند. این فیلم با بودجه ۱.۲ میلیون دلاری ساخته شد

و بیش از هزار و ۵۰۰ سیاهی‌لشکر در آن به کار گرفته شدند که بسیاری از آنان کهنه‌سربازان ارتش آلمان در جنگ جهانی اول بودند. داستان فیلم حول محور پل بومر، دانشجوی جوان آلمانی می‌چرخد که به همراه هم‌کلاسی‌هایش با انگیزه میهن‌پرستی enlist می‌کنند، اما خیلی زود با واقعیت هولناک جنگ سنگری مواجه می‌شوند. فیلم ۱۹۳۰ به دلیل پیام صریح ضد جنگ‌اش

در بسیاری از کشورها از جمله آلمان نازی، فرانسه و ایتالیا ممنوع شد. نازی‌ها این فیلم را «دروغ یهودی» و «فیلم نفرت‌برانگ علیه سرباز آلمانی» خواندند و رمان رماکر را سوزاندند. جالب اینکه یکی از نسخه‌های استفاده‌شده برای بازسازی این فیلم، از مجموعه شخصی یوزف گوپلز، وزیر تبلیغات رایش سوم بود، کسی که دشمن سرخست این اثر محسوب می‌شد. در سال ۱۹۷۹، نسخه تلویزیونی این اثر با بازی ریچارد توماس ساخته شد که توانست جایزه گلدن گلوب بهترین فیلم تلویزیونی را کسب کند. این نسخه وفادارتر به رمان اصلی بود و جنبه‌های انسانی شخصیت پل را بیشتر به نمایش می‌گذاشت.

بازسازی ۲۰۲۲: نگاه مدرن به فاجعه جنگ

اما در اکتبر ۲۰۲۲، نسخه آلمانی‌زبان این فیلم به کارگردانی ادوارد پرگر از طریق تفلیکس اکران جهانی شد. این نخستین اقتباس آلمانی‌زبان از رمان رماکر بود که با بودجه ۲۰ میلیون دلاری ساخته

خبر

نمایش نامه‌هایی که در سال ۱۴۰۴ به چاپ رسیدند: از آرتور میلر تا سارتر

مهروز در سال ۱۴۰۴ نمایش‌نامه‌های بسیاری در ژانرهای متفاوت توسط نشرهای مختلف به چاپ رسید؛ نمایش‌نامه‌هایی که برخی ترجمه آثار مطرح ادبیات جهان در سال‌های گذشته بود و برخی دیگر توسط نویسندگان ایرانی منتشر شده بود. به مرور برخی از مهم‌ترین آثار که برای نخستین بار در سال ۱۴۰۴ منتشر شده‌اند، به معرفی این آثار می‌پردازیم.

«زنان باخوس پرست» نوشته اورپید

نشر بیدگل که از چند سال پیش به ترجمه و نشر آثار کلاسیک یونانی پرداخته است، در سال گذشته نمایش‌نامه «زنان باخوس پرست» نوشته اورپید، تراژدی نویس شهیر یونانی را توسط غلامرضا شهبازی، مترجم سابقه ایرانی، به چاپ رسانده است. «زنان باخوس پرست» یکی از واپسین و در عین حال رادیکال‌ترین تراژدی‌های اورپید است که در سال ۴۰۵ پیش از میلاد، اندکی پیش از مرگ نویسنده، نوشته شد و پس از مرگ او در جشنواره دیونیزیوس در آتن روی صحنه رفت و جایزه نخست را به دست آورد. این نمایش‌نامه نه‌تنها جمع‌بندی اندیشه‌های دیرینگام اورپید است، بلکه از نظر فلسفی و روان‌شناختی یکی از تندترین مواجهه‌های تئاتر یونان باستان با مسئله قدرت، ایمان، غرور و نیروهای تاریک و سرکوب‌شده انسان به شمار می‌رود. داستان این نمایش‌نامه با بازگشت دیونیوزس خدای شراب، وجد و دگرگونی، به شهر تیس آغاز می‌شود؛ شهری که خاندان سلطنتی‌اش الوهیت او را انکار کرده و تولدش از زنی فانی یعنی سلمه را مایه نگ می‌دانند. دیونیوزس نه در هیئت خدایی دوردست، بلکه به شکل انسانی ناشناس وارد شهر می‌شود و به تدریج نظم عقلانی و اقتدار سیاسی تبس را از درون متزلزل می‌کند.

«مادر شب‌ها» نوشته ایوب آقاخانی

ایوب آقاخانی که در سال ۱۴۰۴ در نمایش‌های «کازابلانکا»، «به یک قاتل ساده نیازمندیم» و «امسو» ایفای نقش کرده بود، در این سال نمایش‌نامه «مادر شب‌ها» را توسط انتشارات عنوان به چاپ رساند. در خلاصه داستان این نمایش‌نامه آمده است: «ا‌که هاگاکوره از مادر پاد گرفته باشی می‌دونی که هیچ‌وقت نباید کار رو با فریاد انجام داد! هر چیزی ارزشی داره، چه‌زودا رو از چیزی که واقعا هست نباید مهم‌تر کرد. فریاد مهم‌ترش می‌کنه به دروغ! وقتی این کار رو بکنی فرصت از کف می‌ره و مسائلب به سرانجام نمی‌رسه. امیر ناؤوشیکه می‌که هیچ چیزی عمیق‌تر از حس احترام نسبت به یکی دیگه نیست، این احترام با فریاد زدنش بیشتر نمی‌شه.»

«محبس» نوشته ژان پل سارتر

از ژان پل سارتر، نویسنده و فیلسوف برجستهٔ فرانسوی، پیش‌از این نمایش‌نامه‌های قابل توجهی چون «مکس‌ها»، «دست‌های آلوده»، «دوزخ»، «خروج ممنوع» و… در بازار کتاب ایران به چاپ رسیده بود و در سالی که گذشت نشر ثالث اقدام به انتشار نمایش‌نامه «محبس» این نویسنده را ترجمه رهام برکچی‌زاده کرد. «محبس» یکی از مهم‌ترین آثار درام اگزیستانسیالیستی قرن بیستم است که نخستین بار در سال ۱۹۴۴ در تئاتر ویو کلمبیر پاریس روی صحنه رفت و در سال ۱۹۴۵ به چاپ رسید. این اثر تک‌برده‌ای که در بستری کاملاً بسته و مینیمالیستی روایت می‌شود، نه‌تنها یکی از برجسته‌ترین متون نمایشی فلسفی سارتر به‌شمار می‌رود، بلکه تجسمی دراماتیک از مفاهیم بنیادین اندیشه اگزیستانسیالیسم است؛ آزادی، مسئولیت، خودفریبی و رابطه شکننده انسان با «دیگری».

سودای هالیوود» نوشته نیل سایمون

نیل سایمون، نویسنده برجسته آمریکایی، بیشتر با آثار چون «شیاعیات»، «بزشک نازنین» و «عاقبت عشاق سینه‌چاک» شناخته می‌شود. انتشارات دیدآور توسط شهرام زرگر، مترجم نام‌آشنای ایرانی که پیش از این نمایش‌نامه‌های دیگری نیز از سایمون مانند «لقنی در هتل کالیفرنیا» و «دختر یانکی» را ترجمه کرده بود، در سالی که گذشت نمایش‌نامه «سودای هالیوود» را به چاپ رساند. «سودای هالیوود» از نمونه‌های درخشان کمدی درام آمریکایی است که در آن شوخ‌طبعی با تأملی عمیق بر روابط انسانی، پدران غایب و امکان بخشش در هم می‌آمیزد. این نمایش نخستین‌بار در سال ۱۹۷۹ در لس‌آنجلس اجرا شد و سپس در ۱۹۸۰ به کارگردانی دانیل سالیوان در برادوی روی صحنه رفت. سایمون که به‌عنوان پرکارترین نمایش‌نامه‌نویس کمدی در قرن بیستم شناخته می‌شود، در این اثر نیز به سنت همیشگی خود وفادار می‌ماند؛ نمایش زخم‌های انسانی در قالب موقعیت‌های طنز، گفت‌وگوهای درخشان و لحظات صادقانه احساس.